



## An Approach to Attribution of Tuhaf al-'Uqūl and Its Author

*Hajar Banaei*<sup>1</sup>  
*Seyyed Mahdi Lotfi*<sup>2</sup>

Received :2022/07/03

Accepted: 2023/01/17

DOI: 10.22051/TQH.2023.40905.3644

DOR: 10.22051/TQH.2023.40905.3644

### Abstract

*Tuhf al-'Uqūl fīmā Jā'-a min al-Hikam wal-Mawā'iz 'an Āl al-Rasūl (PBUH) by Hassan bin Shu'ba Harrānī is one of the Shiite moral traditional sources. The author, the period of writing, and the origin of its narrations are challenging. Some of the later scholars and contemporary researchers consider the author to be one of the praiseworthy Shiite scholars of Aleppo in the fourth century. Some of this group consider him as the same author of Haqā'iq Asrār al-Din. Some also consider him an unknown person, a Nusayrī from the 6th century. However, the author's identity is questionable and there are uncertainties about his identity. This research shows that the author has been a Shi'a from Aleppo, living at least in the 8th century. The author's jurisprudential and theological foundations deny the researchers' belief that he was a Nusayrī but confirm his Shiite identity. Also, examining the historical course of Aleppo and adapting it with the discourses included in the book are the reasons that confirm the attribution of the author to Aleppo. The author was Imami, layin al-Hadith (his hadith is considered to be noticed), ascetic, and the averted from the world. He considers Ahl al-Bayt (AS) to be the caliphs of God and the Infallibles. He believes in Resurrection and the Shiite belief in predestination and free will.*

**Keywords:** *Ibn Shua'ba Harrānī, Tuhaf al-'Uqūl, Author's Identity, Origin of Hadiths, Nusayrīyah*

---

<sup>1</sup>. PhD of Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran. Email: [banaei.hajar@gmail.com](mailto:banaei.hajar@gmail.com)

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran. (The Corresponding Author). Email: [mhdlotfi@yahoo.com](mailto:mhdlotfi@yahoo.com)

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۸

مقاله علمی-پژوهشی، صص: ۱۶۸-۱۴۱

## رهیافتی به انتساب کتاب تحف العقول و مؤلف آن

هاجر بنائی<sup>۱</sup>

سیدمهدی لطفی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

DOI: 10.22051/TQH.2023.40905.3644

DOR: 20.1001.1.20082681.1402.20.2.7.7

### چکیده

تحف العقول فیما جاء من الحکم و الموعظ عن آل الرسول (ص) اثر حسن بن شعبه حرّانی یکی از منابع روایی- اخلاقی شیعه است که درباره مؤلف و زمان نگارش و خاستگاه روایات آن اقوال گوناگونی وجود دارد. برخی از علمای متأخر و پژوهشگران معاصر، مؤلف را از علمای ستودنی شیعه اهل حلب در قرن چهارم می‌دانند. عده‌ای از این دسته، وی را همان مؤلف حقائق اسرارالدین تلقی کرده‌اند. بعضی نیز او را فردی ناشناخته و نصیری‌مذهب از قرن ششم برشمردند. با وجود این، هویت مؤلف محل سؤال است و ابهام‌هایی درباره هویت وی وجود دارد. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد مؤلف شیعه و حلبی است که دست‌کم در قرن هشتم زیسته است. مبانی فقهی و کلامی مؤلف، باور پژوهشگران مبنی بر نصیری‌بودنش را نفی و شیعه‌بودنش را تأیید می‌کند. همچنین، بررسی سیر تاریخی حلب و تطبیق آن با گفتمان‌های حاکم بر کتاب از دلایلی است که انتساب مؤلف به حلب را تصدیق می‌کند. مؤلف امامی‌مذهب، لاین‌الحدیث، زاهد و دنیاگریز است. او اهل‌البیت (ع) را خلیفه خدا و معصوم می‌داند و به بعث و عقیده شیعه در جبر و اختیار باورمند است.

**کلیدواژه‌ها:** ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، هویت مؤلف، خاستگاه روایات، نصیریّه.

۱. فارغ التحصیل دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. [banaei.hajar@gmail.com](mailto:banaei.hajar@gmail.com)

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). [mhdlotfi@yahoo.com](mailto:mhdlotfi@yahoo.com)

## طرح مسئله

تحف‌العقول عن آل الرسول<sup>(ص)</sup>، اثر حسن بن شعبه حرانی،<sup>۱</sup> مجموعه‌ای روایی و از آثار مهم اخلاقی شیعه در قرن چهارم محسوب می‌شود. مؤلف که فردی ناشناخته است، در کتاب خود، روایاتی از پیامبر<sup>(ص)</sup> و امام علی<sup>(ع)</sup> تا امام عسکری<sup>(ع)</sup> را به صورت مرسل ذکر می‌کند (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳). کتاب در ساختار کلی دربردارنده روایات اخلاقی است؛ اما روایات فقهی و کلامی نیز در بر دارد.

یکی از مباحث بحث‌برانگیز درباره تحف‌العقول، هویت مؤلف آن است. پرسش‌هایی مانند «مؤلف در چه دوره‌ای زیسته است؟ مذهب وی چیست؟ از نظر جغرافیایی متعلق به کدام منطقه است؟» جزو مهم‌ترین پرسش‌هایی است که برای عالمان و پژوهشگران مطرح بوده و آرای گوناگونی را به دنبال داشته است. مشهورترین دیدگاه درباره مؤلف، رأی عالمان متقدم و متأخر شیعه است که وی را عالمی شیعی حلبی، در قرن چهارم دانسته‌اند؛ اما این دیدگاه از جهاتی اشکالات و ابهاماتی دارد. اشکال آن مربوط به فقدان قراین و دلایل عرضه‌شده برای این دیدگاه است. همچنین، پرسش‌هایی را برای صحت‌سنجی این دیدگاه ایجاد می‌کند: چه قراین و دلایلی مبنی بر شیعه‌بودن مؤلف وجود دارد؟ آیا قراین درون متنی، حلبی‌بودن مؤلف را تأیید می‌کند؟ آیا گفتمان حاکم بر کتاب، با فضای حاکم بر حلب در قرن چهارم تطبیق دارد؟ افزون بر ابهامات یادشده، قراینی بر اثبات هویت مؤلف در تحف‌العقول وجود دارد که با برخی از ابعاد دیدگاه مشهور سازگار نیست.

بر اساس این مطالب می‌توان گفت که هویت مؤلف تحف‌العقول نیازمند بازشناسی است. این مقاله درصدد بررسی هویت مؤلف و بررسی وضعیت انتساب تحف‌العقول به وی است؛ بنابراین، ابتدا به دیدگاه‌های رایج درباره مؤلف می‌پردازیم و مستندات و شواهد هر دیدگاه را بررسی و نقد می‌کنیم. سپس، بر اساس شواهد و مستندات درون‌متنی و برون‌متنی دوره مؤلف و مکان زیست و اندیشه‌های وی را شناسایی می‌کنیم. در بخش قراین و شواهد درون‌متنی بر باورهای کلامی مؤلف، قراین کتاب‌شناختی و متن‌شناختی و رجالی تکیه می‌کنیم و در بخش قراین برون‌متنی، بر شواهد تاریخی تمرکز می‌یابیم.

گفتنی است کتاب تحف‌العقول به چند صورت در مقالات و پایان‌نامه‌ها درخور توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بعضی در پژوهش‌های خود به مؤلف و کتاب توجه کرده‌اند: شایسته‌نژاد (۱۳۹۰) در مقاله «جایگاه تحف‌العقول در منابع روایی شیعه» کوشیده است تا اتهامات وارد بر چهره حرانی را زدوده و گامی در جهت احیای منزلت کتاب تحف‌العقول گامی بردارد. ایزدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی اعتبار تحف‌العقول» دیدگاه‌های متفاوت درباره اعتبار آن را بررسی کرده‌اند. ایشان حرانی را موثق و روایات

فقهی‌اش را نیز معتبر و حجت برشمرده‌اند. افزون بر این، بصیرت (۱۳۹۷) در پایان‌نامه/اندیشه‌نامه کلامی/بن‌شعبه حرانی اندیشه او را بررسی و حیات فکری ابن‌شعبه را به دو دوره تقسیم کرده است و معتقد است وی در زمان نگارش *تحف‌العقول* به مذهب نصیریّه گرایش نداشته و بعد از آن، یعنی هنگام نگارش *حقایق اسرار الدین نصیری* شده است.

عده دیگری به پژوهش درباره متن *تحف‌العقول* پرداخته‌اند: پسندیده در مقاله «بررسی مقایسه‌ای عهدنامه مالک اشتر در سه کتاب *نهج‌البلاغه*، *تحف‌العقول* و *نهایة‌الایرب*» عهدنامه را به هدف کشف اختلاف متن‌ها و کمک به دستیابی متنی متقن و استوار بررسی کرده است. رحیمی (۱۳۹۶) پایان‌نامه بررسی سندی و دلالتی روایات امام‌علی<sup>(ع)</sup> در کتاب *تحف‌العقول*، در خصوص صبر، تقوا و حسن خلق را نگاشته و حزائی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه نقد و بررسی احادیث امام‌صادق<sup>(ع)</sup> (از وصیت عبدالله بن‌جندب تا صفت خروج از ایمان) حرانی را از لحاظ متن و سند و رجال ارزیابی کرده و معتقد است بسیاری از این روایات فقط در منابع محدودی از متأخران و معاصران شیعه نقل شده است؛ اما به دلیل مطابقت احادیث با آموزه‌های قرآنی و معارف اسلامی، فصاحت، بلاغت و دوربودن از الفاظ رکیک، معتبر و حجت است.

اخلاقی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه بررسی و نقد مبانی و مصادیق قاعده «الاجاره احد معایش العباد» قاعده مذکور را منتج از روایت امام‌جوادی<sup>(ع)</sup> در *تحف‌العقول* (حرانی، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۳۱) می‌داند. همچنین، سپاسی در پایان‌نامه ترجمه و تحقیق حدیث *جوامع الاشرایع از امام‌رضا(علیه‌السلام)* و بررسی احکام فقهی مستفاد از آن، روایت منقول از امام<sup>(ع)</sup> (حرانی، ۱۳۶۳ ش، ص ۴۲۳-۴۱۵) را ترجمه و احکام فقهی مستفاد از آن را شرح داده است.

صالحی انصاری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه بررسی و نقد احادیث پیامبر<sup>(ص)</sup> در کتاب *تحف‌العقول* (سند و رجال و منبع‌شناسی، ترجمه و شرح احادیث) روایات قصار رسول‌الله<sup>(ص)</sup> را به لحاظ سند و وضعیت راویان را بررسی کرده و شرح کوتاهی بر روایات ایشان نگاشته است. بر اساس پژوهش صورت گرفته، حدوداً ده روایت از میان روایات پیامبر<sup>(ص)</sup> در هیچ‌یک از منابع فریقین وجود ندارد. بنائی و لطفی (۱۳۹۹) نیز در مقاله «تبارشناسی روایات قصار *تحف‌العقول*» کلام منتسب به غیرمعصومین و نوادر<sup>۱</sup> *تحف‌العقول* را از روایات حضرت علی<sup>(ع)</sup> تا روایات امام‌عسکری<sup>(ع)</sup> شناسایی کرده‌اند. همچنین، در مقاله «تبارشناسی روایات قصار حضرت علی<sup>(ع)</sup> در *تحف‌العقول*» کوشیده‌اند (۱۴۰۰) تا روش مؤلف در نقل روایات به لحاظ سند و متن و منابع حرانی در نقل روایات قصار امام<sup>(ع)</sup> را کشف کنند و اعتبار روایات را بسنجند. گفتنی است این

۱. در *تحف‌العقول*، روایاتی وجود دارد که فاقد پیشینه و منبع و مصدر هستند و برای نخستین بار در این کتاب نقل شده‌اند (برای مطالعه بیشتر، نک: بنائی و لطفی، ۱۳۹۹: ۱۴۰-۱۳۳؛ بنائی و لطفی، ۱۴۰۰: ۳۴۳ و ۳۴۴).

مقاله نیز از رساله نگارنده با عنوان *تبارشناسی حدیثی و لایه‌شناسی تاریخی تحف‌العقول* (۱۴۰۰) مستخرج شده است.

### ۱. دیدگاه نخست: حرانی، عالم اهل تشیع اهل حلب، در قرن چهارم

در کتاب‌های متقدم رجالی از ابن‌شعبه حرانی و کتابش اثری نیست. حسین بن علی بن صادق البحرانی در کتاب اخلاقی خود از حرانی یاد کرده و کتابش را ستوده است: «هو کتاب لم یسمح الدهر بمثله» (قمی، ۱۳۶۸: ۱، ص ۳۳۰-۳۲۹). وی و دیگر علمای پس از او، همچون حر عاملی (۱۴۰۹ق، ج ۳۰، ص ۱۵۶؛ بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴) و مامقانی (۱۴۳۱ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴) ابن‌شعبه را ستوده‌اند (ایزدی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۲-۳۳). مجلسی نیز می‌نویسد: «نظم و ترتیب آن، بر بلندی مرتبه مؤلفش دلالت می‌کند و بیشتر مطالب آن، در مواظ و اصول ثابت‌شده‌ای است که نیاز به اثبات ندارد.» (۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹)

برخی از عالمان، مؤلف کتاب را از شخصیت‌های برجسته و از چهره‌های درخشان فقها و حدیث‌شناسان شیعه در قرن چهارم هجری محسوب کرده‌اند. وی از معاصران شیخ صدوق و از شاگردان ابوعلی محمد بن همام (۳۳۶ق)، (سبحانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۰) و بنا بر برخی نقل‌ها از مشایخ شیخ مفید (۴۱۳ق) است (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۷؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۰؛ نقل در: ایزدی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳۰؛ همچنین، آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۰۰). گفتنی است اولین کسی که او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده، شیخ حسین بحرانی است (قمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۰) و دیگران نیز بر اساس نظر او بر همین باورند. سید محسن امین نوع رابطه وی با صدوق و محمد بن همام را می‌پذیرد؛ ولی نقل مفید از او را دال بر شیخ بودن مؤلف برای مفید نمی‌داند (۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۸۶-۱۸۵). حر عاملی در *فصول المهمه*، امین، آقابزرگ تهرانی، سبحانی و مامقانی هم وی را حرانی حلبی خوانده‌اند. داده دیگری درباره عصر و بوم مؤلف وجود ندارد.

گفتنی است در آثار منسوب به نصیریه کتابی تحت عنوان *حقائق اسرار الدین* وجود دارد که به حسن بن شعبه حرانی منسوب است. برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند مؤلفش، همان مؤلف *تحف‌العقول* است. درباره حقائق دو پژوهش انجام داده‌اند. باقری با توجه به نشانه‌هایی در متن، از جمله واژه «مقصره» (حرانی، ۲۰۰۶، ۱۲۸) و محتوای کتاب، نصیری بودن نویسنده را اثبات کرده و سپس، انتساب کتاب به حرانی و زمان نگارش آن را به دست آورده است. وی معتقد است که بر اساس نقل روایت از کلینی و اسکافی، نقل قول‌های مستقیم فراوان از خصیبی و تقلید از اسلوب روایی وی و نیز نقل مطالبی از *رساله الراستابشیة خصیبی* می‌توان «حد اولیه» نگارش حقائق را ۳۲۹ یا ۳۳۶ دانست. همچنین، تخمین «حد نهایی» نگارش آن را بر اساس یادکرد دیگر مؤلفان این خاندان در کتاب‌هایشان از حسن بن شعبه یا فرد هم‌عصرش، سال ۴۰۸ق دانسته است (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۷۷-۱۷۲).

باقری (۱۳۹۴، ص ۱۸۰) و بصیرت (۱۳۹۷، ص ۸) معتقدند حسن بن شعبه در زمان نگارش *تحف العقول* شیعه امامیه بوده و در زمان نگارش *حقائق نصیری* شده است. ایشان فرض متفاوت بودن نویسندگان این کتابها را نپذیرفته‌اند. یکی از دلایل باقری برای منتفی دانستن این فرض، وجود دو روایتی است که فقط در همین کتابها آمده است (۱۳۹۴، ص ۱۷۹-۱۷۸).

### ۱.۱. بررسی و نقد دیدگاه اول

دیدگاه اول را می‌توان از چند منظر نقد کرد: ۱. این دیدگاه برگرفته از نظر عالمی متأخر و بدون استدلال است؛ ۲. واحد نبودن مؤلف *تحف العقول* و *حقائق اسرار الدین* با چند ادله اثبات‌شدنی است. در ادامه هر دو نقد را تبیین می‌کنیم. دیدگاه اول برگرفته از نظر شیخ حسین بحرانی است و استدلالی بر نظر وی عرضه نشده است. هیچ قرینه مستدلی هم برای تعیین عصر مؤلف و روابط علمی‌اش و مذهب وی در این دیدگاه وجود ندارد. بحرانی در کتاب خود که نامش معلوم نیست، از *تحف العقول* و نام نویسنده و دوران زیست وی یاد کرده است. در کتاب تراجم، اطلاعاتی درباره بحرانی وجود ندارد. بر اساس نقل برخی از علمای معاصر، بحرانی از مؤلفان قرن دهم است؛ بنابراین، استناد به داده‌ای از قرن‌های متأخر که استدلالی برای آن عرضه نشده است، درست به نظر نمی‌رسد. آیت‌الله مددی درباره انتساب کتاب به ابن شعبه به نقل از عالمان متأخر، بحرانی و مجلسی و حر عاملی، می‌گوید: «نخستین بار که از این کتاب نام برده شد، در قرن دهم هجری و توسط شیخ حسین بحرانی یکی از علمای بحرین بود. وی یک کتاب اخلاقی دارد و در آنجا گفته حدیثی را از *تحف العقول* نقل می‌کنم. این کتاب بسیار نفیس است: (لم یسمع الدهر مثله)؛ اصلاً در روزگار چنین کتابی نبوده. بعد، مرحوم مجلسی و مرحوم حر عاملی کتابی را پیدا می‌کنند به‌عنوان *تحف العقول عن آل الرسول* که در پشتش، این کتاب را به‌نام حسن بن علی بن حسین بن شعبه حلبی نسبت داده‌اند؛ لذا طریق ما به اینکه این کتاب اسمش این است و مؤلفش هم این آقا است، فقط به نقل شیخ حسین بحرانی است و مرحوم صاحب *بحار الانوار* و مرحوم حر عاملی در قرن یازدهم ادعای شهرت کتاب را می‌کنند» (دروس، کد اثر ۸۸۲۵، آخرین دسترسی ۲۱ اسفند ۱۴۰۰).

در نقد دوم به دیدگاه اول، گفتیم که واحد نبودن مؤلف *تحف العقول* و *حقائق اسرار الدین* اثبات‌شدنی است. *حقائق اسرار الدین* که از آثار نصیری است، در *مجموعه الحرائین*<sup>(۱)</sup> به چاپ رسیده و به حسن بن شعبه حرانی منسوب است. به نظر می‌رسد بر اساس آنچه مؤلف در مقدمه اشاره می‌کند، در اواخر عمرش به نگارش این کتاب دست زده است (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۰). انگیزه او برای نگارش کتاب، موجود نبودن کتابی است که مطابق با علاقه‌اش به محتوای باطنی باشد. همچنین، در مقدمه بیان می‌کند که هر کلام و معنایی او را به هدفش نزدیک سازد، ذکر و زوائد آن را حذف می‌کند. وی در مقدمه، به‌طور غیرمستقیم به مفرد بودن روایات این حوزه اشاره می‌کند (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۴-۱۱). معرفی کردن سلمان

و ام‌سلمه و... به‌عنوان «ابواب» (واسطه‌های فیض‌رسانی)، (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۵۸-۶۰) و تفسیر نماز به امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، زکات به معرفت امام‌علی<sup>(ع)</sup> و باطنی‌بودن غسل جنابت نمونه‌هایی از تفسیر باطنی نصیریه در این اثر است (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۵۸-۶۰).

به نظر می‌رسد مقایسه مؤلفه تقیه در *حقائق* و *تحف‌العقول* یکی از عواملی است که ما را در بررسی یک یا دو نفر بودن نویسندگان آن یاری رساند؛ زیرا چنان‌که بیان می‌کنیم، تقیه گفتمان اصلی حاکم بر *تحف‌العقول* است. یکی از باب‌های *حقائق* نیز در این باره است: «تقیه و کتمان ایمان و إقامة أعمال الظاهره». بنابراین، مقایسه معنای مؤلفه تقیه در دو کتاب یادشده ضروری به نظر می‌رسد. اولین نکته‌ای که در *حقائق* توجه‌برانگیز است، عنوان باب است که تقیه و کتمان ایمان با إقامة أعمال ظاهری هم‌نشین می‌شود. مؤلف *حقائق* مصداق ﴿الْحَسَنَةُ﴾<sup>(۱)</sup> در آیه ۳۴ فصلت را تقیه می‌داند. گفتنی است که در این باب هم از انتشارن‌دادن اسرار اهل‌البیت<sup>(ع)</sup> و جزای آن سخن گفته شده است؛ اما روایتی در این باب وجود دارد که باب معنای مدنظر از تقیه در *حقائق* را آشکار می‌کند: «من استعمل الظاهر أعطاه الله الظاهر و الباطن و من استعمل ترک الظاهر سلبه الله الظاهر و الباطن جمیعة». این روایت به انجام أعمال ظاهری سفارش و ترک اعمال ظاهری را نهی می‌کند. روایت یادشده و عنوان باب به‌خوبی معنای مدنظر مؤلف را می‌رساند؛ یعنی تقیه در این کتاب، به معنای انجام أعمال ظاهری است (حرانی، ۲۰۰۶، ص ۱۶۸-۱۶۹)؛ در حالی که نصیریه اعمال عبادی را به تأویل برده و عبادات را واجب نمی‌داند.

در وصیت منقول از امام‌صادق<sup>(ع)</sup> به محمدبن‌نعمان در *تحف‌العقول* به تفصیل مؤلفه تقیه و ضرورت آن بیان می‌شود. تقیه در این روایت، رفتاری سیاسی است در برابر دولت ظالم. عبارتی در این روایت، معنای تقیه را بیشتر روشن می‌سازد: «يَا ابْنَ النُّعْمَانِ إِذَا كَانَتْ دَوْلَةُ الظُّلْمِ فَأَمْشِ وَ اسْتَقْبِلْ مَنْ تَتَّقِيهِ بِالتَّحِيَّةِ فَإِنَّ الْمُتَعَرِّضَ لِلدَّوْلَةِ قَاتِلٌ نَفْسِهِ وَ مَوْبِقُهَا إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ». همچنین، بر ناپسندبودن انتشار اسرار اهل‌البیت<sup>(ع)</sup> در *تحف‌العقول* بسیار تأکید می‌شود؛<sup>۱</sup> در حالی که در *حقائق* این‌گونه نیست. در نتیجه، تقیه در *تحف‌العقول* به معنای سازش‌کردن با دشمن برای حفظ جان و تقیه در *حقائق* به معنای انجام أعمال ظاهری است. مقایسه این دو نشان‌دهنده گفتمان‌هایی متفاوت درباره تقیه است که محیط‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مختلفی می‌طلبد. بر اساس آنچه در ادامه پژوهش بیان می‌کنیم، باید گفت بر اساس سه عامل، فرض یکی‌دانستن مؤلف کتاب‌های *حقائق اسرار‌الدین* و *تحف‌العقول* درست نیست: محتوای نصیری *حقائق* و تقابل با باورهای نصیری در *تحف‌العقول* و دو گفتمان متفاوت درباره تقیه و اختلاف زمان نگارش *حقائق* و *تحف‌العقول*. شایان ذکر است دلیل سوم، یعنی اختلاف زمان نگارش دو

۱. «يَا ابْنَ النُّعْمَانِ إِنَّ الْمُدْبِعَ لَيْسَ كَقَاتِلِنَا بِسَيْفِهِ بَلْ هُوَ أَكْبَرُ وَ زُرَّاءُ بَلْ هُوَ أَكْبَرُ وَ زُرَّاءُ يَا ابْنَ النُّعْمَانِ إِنَّهُ مَنْ رَوَى عَلَيْنَا حَدِيثًا فَهُوَ مِمَّنْ قَتَلْنَا عَمْدًا وَ لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَأً»

کتاب یادشده، امکان واحدبودن مؤلف و تغییر مذهب وی را کاملاً منتفی می‌سازد. در ادامه، ذیل دیدگاه مختار متأخربودن دوران زیست مؤلف *تحف‌العقول* تبیین کرده و باورهای مؤلف را نیز به تفصیل بررسی می‌کنیم.

## ۲. دیدگاه دوم: عالمی نصیری، در قرن ششم یا پس از آن

انصاری قمی به دو دلیل نویسنده کتاب را از پیروان نصیری برمی‌شمارد:

**الف. تعبیر «الشیعة المستبصرین و استفاضتها فیهم» در *تحف‌العقول*:** مؤلف توقیعات امام‌زمان را در کتابش نقل نمی‌کند و می‌گوید توقیعات بین شیعیان مستبصر به تواتر رسیده است. انصاری قمی این تعبیر را غریب می‌داند و آن را تحریفی از «الشیعة المقصرین» برمی‌شمارد. مقصرین هم تعبیری است که نصیری‌ها و غلات برای شیعه به کار می‌برند. همچنین، «فیهم» را نیز تأییدی بر آن تلقی می‌کند (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۱۱۲۸، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶).

**ب. نقل یکبارۀ وصیت مفضل بن عمر:** نویسنده در پایان کتاب، وصیتی از مفضل، خطاب به شیعیان نقل می‌کند. انصاری قمی نقل از مفضل را در کتابی که سخنان اصحاب ائمه نقل نمی‌شود، قرینه‌ای بر نصیری‌بودن مؤلف برمی‌شمارد؛ زیرا نصیریان احترام ویژه‌ای برای مفضل قائل‌اند (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۱۱۲۸، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶).

وی بر این باور است که ابن‌شعبه مؤلف ادعایی *تحف‌العقول*، به‌هیچ‌روی شناخته نیست و معلوم نیست متعلق به چه دوره‌ای است. دلیل متینی نیز بر انتساب این اثر به او در کتاب‌های رجالی و حدیثی وجود ندارد. نویسنده در مقدمه *تحف‌العقول* از قدمای شیعه به‌گونه‌ای تعبیر می‌کند که نشان می‌دهد نباید خودش از دوره‌ای مانند سده چهارم باشد (نک: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳-۲). نوع تعابیر او درباره کتابش (نک: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳)، به‌روشنی گواه است که نویسنده کتاب از سده‌های ششم به بعد است. انصاری قمی درباره بوم مؤلف می‌نویسد اگر فقط مبنای ما کتاب‌ها و نسخه‌های متأخر باشد، باید گفت ابن‌شعبه‌ای در حران وجود داشته است که او را فقیه هم می‌خوانده‌اند. اگر نویسنده این متن واقعاً ابن‌شعبه حرانی‌نامی باشد، می‌توان فرض کرد که به دلیل وجودنداشتن سابقه مهم تشیع در حران، نام او در منابع رجالی نیامده است و فقط، نسخه‌ای از کتابش به نویسندگان بعدی رسیده و شاید، او در همین شهر بر شیعیان ریاست می‌کرده است (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۱۲۰۸ و ۱۱۲۸، ۱۸ مهر ۱۳۸۶).

## ۱-۲. بررسی و نقد دیدگاه دوم

انصاری قمی درباره بوم مؤلف دیدگاهی قطعی بیان نمی‌کند و فقط بر اساس دیدگاه متأخران که وی را حرانی دانسته‌اند، بعضی از ابن‌شعبه‌های حرانی را نام می‌برد و به‌طور مختصر، استدلال‌هایی مبنی بر



متأخر بودن مؤلف ذکر می‌کند. ما از استدلال وی برای تعیین عصر مؤلف در بخش «زبان متن» بهره می‌بریم؛ اما بررسی و نقد ما درباره نصیری دانستن مؤلف، جنبه سلبی دارد. به همین منظور، ابتدا استدلال اول وی را نقد کرده؛ سپس، به تفصیل، در نقد هر دو استدلال، فرقه نصیری را معرفی و آن را با مبانی مؤلف تحف‌العقول مقایسه می‌کنیم.

انصاری قمی اقدام مؤلف در به‌کارگیری واژه «مستبصرین» را دال بر نصیری بودن وی تلقی می‌کند. این واژه در روایتی از حقائق هم به کار رفته است. بر اساس این روایت، مؤمن مستبصر شیعه‌ای است که زنا و لواط و دزدی نمی‌کند و مرتکب فواحش نمی‌شود؛ اما گناه انجام می‌دهد. این شخص مرتکب گناهان می‌شود؛ ولی بر آن اصرار نمی‌ورزد (لمم) (حرانی، ۲۰۰۶، ۶۸-۷۱). همین روایت با اختلاف‌هایی در متن و سند، در *علل الشرایع* آمده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۱۰-۶۰۶). از این رو، نقل واژه «مستبصرین» را نمی‌توان مختص منابع نصیری دانست. کاربرد آن در منابع امامیه حاکی از عمومیت آن دارد و نتیجه‌گیری از این واژه برای اثبات نصیری بودن مؤلف خالی از اشکال نیست.

#### ۱.۱.۲. نفی نصیری دانستن مؤلف

در این بخش، نیازمند شناسایی باورهای فرقه نصیری و مقایسه آن با مبانی مؤلف تحف‌العقول هستیم. شناسایی باورهای کلامی و فقهی موجود در تحف‌العقول در شناسایی مذهب مؤلف کارساز است.

#### ۱.۱.۱.۲. فرقه نصیری و مبانی کلامی و فقهی آن

نصیری یا نصیری نام فرقه‌ای است که بر وجود مذهبی در قرن سوم هجری دلالت می‌کند. آغاز فعالیت این فرقه در بعضی از منابع، به زمان امام عسکری<sup>(ع)</sup> و در بعضی منابع، به زمان امام هادی<sup>(ع)</sup> برمی‌گردد (بقائی، ۱۳۹۱، ص ۸۶). محمد بن نصیر نصیری بعد از شهادت امام عسکری<sup>(ع)</sup>، ادعای نیابت و بابیت کرد که محمد بن عثمان از او بیزاری جست (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۸). گویا، ابن نصیر ادعای نیابت خود را در زمان نایب سوم حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> نیز مطرح کرد؛ زیرا امام زمان<sup>(عج)</sup> او را در توقیعی لعن کرده است (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۳۶؛ نقل در: باقری، ۱۳۹۸، ص ۷). طوسی او را در *الرجال* خود از اصحاب امام جواد<sup>(ع)</sup> برمی‌شمرد (۱۳۷۳، ص ۳۷۸) و در کتاب *الغیبه* او را از اصحاب امام عسکری<sup>(ع)</sup> (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۸). ابن غضائری به نقل از ابوبکر الجعابی، او را از لحاظ علمی از افاضل بصره و در عین حال، ضعیف می‌داند (۱۳۶۴، ص ۹۹).



مکان مراکز اصلی سکونت نصیریان سوریه فعلی است (هالم، ۱۳۹۳، ص ۲۵۷). در کتاب‌های ملل و نحل و کتاب‌های فرقه‌شناسی متقدم، نصیریه فرقه‌ای غلوآمیز در میان شیعه است. نصیریان از غلات شیعه هستند که معتقدند خداوند به صورت اشخاص در پیامبر (ص) و فرزندانش ظهور می‌کند. خدا به زبان ایشان سخن می‌گوید و به دست ایشان مرتکب می‌شود؛ اما اختصاص اسم و جزء الهی فقط ویژه امام علی (ع) است؛ زیرا او به باطن اسرار دست یافته است (شهرستانی، بی‌تا، ص ۱۹۰-۱۸۹). بغدادی می‌نویسد نمیری هم معتقد است که خداوند در او حلول کرده است (۱۹۹۷م-۱۴۱۷ق، ص ۲۲۹).

اشعری قمی معتقد است نصیری‌ها در زمان امامت امام‌هادی (ع)، به نبوت محمد بن نصیر قائل شدند و عقیده داشتند که او را علی بن محمد (ع) ارسال کرده است. اشعری افزون بر باور داشتن مقام الوهیت داشتن ابوالحسن (ع)، تناسخ، مباح بودن محارم و حلال بودن نکاح با مردان را به ایشان نسبت می‌دهد (۱۳۶۱، ص ۱۰۰). کشی نیز ادعای نبوت محمد بن نصیر را نقل می‌کند (۱۳۶۱، ص ۱۰۰ و ۲۴۷). بر مبنای داده‌هایی از استفتائی درباره نصیریان و پاسخ شماری از عالمان اهل سنت، مانند ابن تیمیه، حلال بودن خمر، واجب نبودن نماز و تأویلش به پنج اسم و واجب نبودن روزه، تأویل روزهای ماه رمضان به نام سی مرد و تأویل شب‌هایش به نام سی زن، به عنوان باورهای نصیریان است. آن‌ها دیگر شرعیات را نیز به همین شیوه و مانند اسماعیلیه به تأویل می‌برند. قیامت و معاد و بعث و دیگر اخبار رسیده از رسولان را هم

نپذیرفته‌اند (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۲۲۵۷، ۱۶ مهر ۱۳۹۴). ابن حزم اندلسی معتقد است نصیریه به لعن فاطمه<sup>(س)</sup> و حسنین<sup>(ع)</sup> پرداخته و بر آن تأکید می‌ورزند و فرزندان ایشان را شیطان‌هایی در صورت انسان برمی‌شمرند (اشعری قمی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۷).

در سنت غالیان شیعی یا مکاتبی شیعی که تحت تأثیر افکار غالیان بوده‌اند، جایگاهی برای واسطه‌های فیض‌رسانی از امامان برای عموم تصور می‌شود که از آن بیشتر با تعبیر «باب یا ابواب» سخن رانده شده است (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۳۴۰۸، ۱۲ مهر ۱۳۹۶). در تشیع امامی، اندیشه باب هیچ‌گاه پذیرفته نشد. در میان غلات نصیریه، خصیبه این نظریه را پروبال داد و پس از آن، به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در منظومه فکری و دینی نصیریه درآمد (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۳۳۸۰، ۲۲ شهریور ۱۳۹۶).

### ۲.۱.۱.۲. مبانی کلامی و فقهی مؤلف تحف‌العقول در مقایسه با نصیریه

مؤلف، روایات کلامی و فقهی فراوانی نقل می‌کند. بعضی از روایات، کاملاً مربوط به این موضوعات است و در بعضی از روایات، فقط بخشی از آن کلامی و یا فقهی است. از مجموع روایات کلامی و فقهی موجود در تحف‌العقول، می‌توان اعتقادات مؤلف را شناخت و میزان تناسب آن را با مبانی نصیریه سنجید. در این بخش، فقط آن دسته از مبانی کلامی و فقهی مؤلف را ذکر می‌کنیم که در مقایسه با مبانی مذهب نصیریه کاربرد دارد، یعنی توحید، سرنوشت بعد از مرگ، انجام واجبات و ترک محرّمات.

در تحف‌العقول، عمران صابی از امام‌رضا<sup>(ع)</sup> درباره کیفیت شناخت خداوند می‌پرسد. امام پاسخ می‌دهد: «إِنَّ النُّورَ الْبَدِيَّ الْوَاحِدَ الْكَوْنَ الْأَوَّلَ وَاحِدٌ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا شَيْءَ مَعَهُ فَرَدٌّ لَا ثَانِي مَعَهُ [و] لَا مَعْلُومٌ وَ لَا مَجْهُولٌ وَ لَا مُحْكَمٌ وَ لَا مُتَشَابِهٌ وَ لَا مَذْكُورٌ وَ لَا مَنْسِيٌّ وَ لَا شَيْءٌ يَقَعُ عَلَيْهِ اسْمٌ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۲۳-۴۲۴). در رساله زهد امام‌سجاد<sup>(ع)</sup>، مقام امامان معصوم<sup>(ع)</sup> تبیین می‌شود: اوصیای بعد از رسول و حجت بر خلق و اطاعت از آنان، بعد از اطاعت خدا (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۵). در روایات دیگری نیز مقام ائمه با همین مفاهیم تبیین می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۶ و ۴۳۷-۴۳۸). این عبارات، آشکارا خداپنداری ائمه را نفی می‌کند. خدا واحد است و مشابهی ندارد و اطاعت اوصیای نیز بعد از اطاعت خداست، نه در جایگاه خدا. گفتنی است حرانی در مقدمه، به یگانگی خداوند و عبد و رسول بودن پیامبر<sup>(ص)</sup> شهادت می‌دهد (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲).

در روایات کلامی تحف‌العقول، «سلمی» و «برهوت» و نیز «صخره‌ای در بیت‌المقدس» و «حضر موت» مکانی‌هایی است که روح مؤمنان و کافران در آن قرار می‌گیرد (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹ و ۲۴۲). همچنین موضوعات قبر و قیامت، برانگیخته‌شدن، نکیر و منکر، صراط و میزان در روایات مطرح می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲-۲۴۹ و ۴۴۲). در روایتی نیز ایام سه دسته می‌شود: ۱. روزی که متولد می‌شوی؛ ۲. روزی که به‌سوی قبر می‌روی؛ ۳. روزی که از قبر به‌سوی پروردگارت خارج می‌شوی (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۲).

مؤلف روایاتی را نقل می‌کند که بر ادای واجبات و ترک محرمات تأکید می‌ورزد و برای ایمان سه پایه معرفت با قلب و اقرار به زبان و عمل به ارکان برمی‌شمارد (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۲۲). به نماز و روزه مستحبی سفارش می‌کند (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۳). با حلال بودن خمر نیز مخالفت می‌کند: «هر آنچه زیادش، عقل را زایل کند، کمش هم حرام است» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۸). همچنین، طبق روایت دیگری ازدواجی که مطابق سنت نباشد، پذیرفته نیست (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۵). گفتنی است وقتی ازدواج با محارم در قرآن باطل شمرده می‌شود (نساء، ۲۳)، در سنت نیز وجود ندارد.

چنان‌که پیداست باورهای مؤلف *تحف/العقول* با باورهای نصیری به ناسازگار است؛ یعنی مؤلف نه ائمه را در جایگاه خداوند تلقی می‌کند، نه تناسخ را می‌پذیرد، نه اعمال را به تأویل می‌برد؛ بنابراین، نصیری‌دانستن مؤلف پذیرفتنی نیست. همچنین، روشن است که مبانی مؤلف با باورهای شیعه سازگار است و دیدگاه علمای متقدم اثبات می‌شود.

### ۳. دیدگاه مختار: مؤلف، عالم شیعی اهل حلب، در قرن هشتم یا پس از آن

مؤلف *تحف/العقول* امامی‌مذهب و حلبی است که دست‌کم در قرن هشتم زیسته است. مدعای مذکور بر پایه قراین گوناگونی، شامل قراین کلامی، تاریخی، کتاب‌شناختی، متن‌شناختی و رجالی، شکل گرفته است که آن را به تفصیل ذکر می‌کنیم.

#### ۱.۳. قراین کلامی

گفتیم که برخی از علما مؤلف *تحف/العقول* را شیعه تلقی کرده‌اند. ما نیز بر اساس مبانی کلامی مؤلف، معتقدیم که وی شیعه است. پیش‌تر برخی از مبانی کلامی مؤلف را گفتیم، اکنون نیز علم و عصمت امام و جبرواختیار را بیان می‌کنیم.

گفتمان علم از زمان امام‌جواد<sup>(ع)</sup> در قالب دو جریان نهادینه می‌شود: جریان اول، به انقطاع وحی در معنای مطلق آن بعد از پیامبر<sup>(ص)</sup> و علم موروثی امام، به‌وسیله کتاب‌ها یا آموزش نسل‌به‌نسل باورمند است. جریان دوم، فقط انقطاع وحی نبوتی را پذیرفته است و معتقد است امام افزون بر علم موروثی، از جهات علم، یعنی نقر، نکت و... نیز بهره می‌برد؛ به همین دلیل، محدث نامیده می‌شود (گرامی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸). در *تحف/العقول* ریشه علم امام از جانب خداست و خداوند به امام علم عطا می‌کند؛ علمی که برتر از علم همه انسان‌هاست (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۶ و ۴۴۱). «نَامِي الْعِلْمِ» در این روایت، بر رشد پیوسته علم امام دلالت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹۶) و منظور از مخزون علم و حکمت در روایت نیز بهره‌مندی از توحید، قضاوقدر، علم به حکمت‌های شرعی و علت آن و استواری در آن است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۲۷۵). امام‌مجتبی<sup>(ع)</sup> نیز خودش را فرزند کسی می‌داند که اخبار آسمان پیاپی به او می‌رسد (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۳). این جملات بر باور مؤلف *تحف/العقول* به جریان دوم دلالت می‌کند.

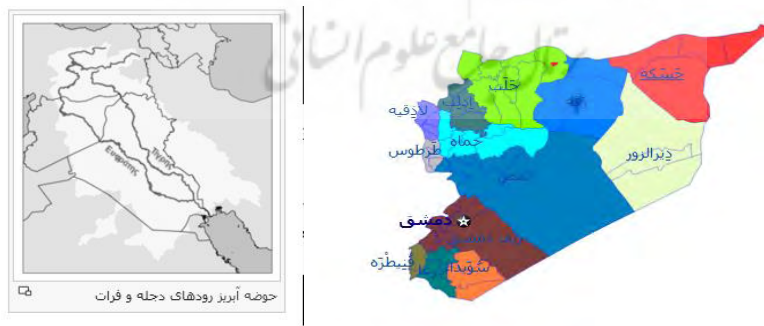
ضمن همین روایت، در جمله‌ای عصمت امام از خطا و لغزش‌ها هم ذکر می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۳). می‌دانیم که شیعه امامیه بر لزوم عصمت رسول و امام اتفاق نظر دارد (نک، سبحانی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۵۹-۳۵۳). نوع باور به جبر و اختیار نیز آشکارا در دو روایت بیان می‌شود. امام‌مجتبی<sup>(ع)</sup> در پاسخ به حسن بصری درباره استطاعت می‌نویسد انسان در امر و نهی مجبور نیست و در سایه اراده خداوند بر انجام‌دادن یا انجام‌ندادن امر و نهی‌ها مختار است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱). در نامه منقول از امام‌هادی<sup>(ع)</sup> نیز «منزله بین منزلتین» چند مرتبه به‌عنوان باور امامیه درباره جبر و اختیار بیان می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۷۶-۴۵۸). این عبارات به‌روشنی باور امامیه مبنی بر حدود جبر و اختیار و نپذیرفتن جبر مطلق و تفویض و نظریه کسب دلالت می‌کند (نک: سبحانی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۶-۱۹۵).

### ۲.۳. قراین تاریخی

چنان‌که گفتیم در حافظه تاریخی، مؤلف تحف‌العقول را حرانی حلبی دانسته‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۷؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۰۰؛ امین، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۸۵؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴)؛ اما هیچ داده دیگری نیز در این باره وجود ندارد؛ پس، نیازمند بررسی است تا حلبی بودن مؤلف پذیرفته یا نفی شود.

### ۱.۲.۳. حلب و حران

در کتب البلدان‌ها، از چند منطقه به‌عنوان حران یاد می‌شود: ۱. حران از روستاهای حلب سوریه؛ ۲. حران در عراق؛ ۳. حران کوچک و بزرگ در بحرین (حسینی حنبلی، ۱۴۳۰ق، ص ۱۱۱). به‌دلیل اینکه مؤلف تحف‌العقول حرانی حلبی نامیده می‌شود، ما بر وجه اول‌متمرکز می‌شویم و وضعیت آن را از ابعاد مذهبی و سیاسی و علمی بررسی می‌کنیم.



بزرگ‌ترین فرقه مذهبی حلب از آن مسلمانان بوده و هست. بعد از عصر صحابه، به‌دلیل ارتباط حلب و بغداد، حلبی‌ها بر مذهب ابوحنیفه گرویدند (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۴) تا اینکه در سال ۳۵۱ق رومیان به حلب حمله کرده و جمعیت زیادی از حلبی‌ها را به قتل رساندند. سیف‌الدوله، حاکم وقت،

گروهی از شیعیان حران را به حلب منتقل کرد؛ بنابراین، تشیع در حلب غلبه یافت (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۴؛ ابن عدیم، بی تا: ۱، ص ۶۰). وجود دو دولت شیعی حمدانی (۲۹۴ق-۲۹۳ق) و بنی مرداس (۴۷۳ق-۴۱۴ق) و نفوذ فاطمیون (۵۶۷ق-۲۹۷ق) هم زمینه ساز رشد تشیع شد (زمانی محبوب و بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). گفتنی است طبق برخی از نقل‌های تاریخی، حران سکونتگاهی برای صالحان زاهد نیز بوده است (طباخ، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۲۷).

مذاهب چهارگانه اهل سنت هم، در حلب قاضیانی مستقل داشت تا اینکه دولت عثمانی بر حلب قدرت یافت و قاضی واحدی از مذهب حنفی تعیین کرد؛ بنابراین، تا سال ۹۴۸ق مذهب مالکی و حنبلی از میان رفت (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۴). صلاح‌الدین ایوبی، اولین حاکم ایوبی (۵۶۷ق)، به مذهب شافعی تعصب داشت؛ از این رو، نظام قضایی حکومتش را بر پایه همین مذهب قرار داد تا با روابط حکومت سلطانی با نهاد علما، کنترل خود را بر دین و نهادهای مذهبی سامان دهد؛ اما توفیق چندانی نیافت و دولت عثمانی توانست با عرضه مدل سلطان‌فقیه «دین دولتی» خود را تا اندازه‌ای تحمیل کرد (انصاری قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). این مسائل موجب شد که شیعیان از سال ۶۵۰ق تا حدود ۱۰۰۰ق تقیه پیشه سازند تا به مقامات عالی سابق دست یابند و از درون، اهل سنت را نابود کنند. حلبی غزی معتقد است شیعیان بر اساس روایت امام صادق<sup>(ع)</sup>، (برقی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۲۲۵)، تقیه کرده‌اند (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۶).

حمدانیان در قرن چهارم حلب را به‌عنوان پایتخت خود برگزیدند که جایگاه سیاسی مهمی را برای آن رقم زد (ابن عدیم، بی تا، ج ۱، ص ۷۷). حلب و حران چندین مرتبه، در قرن‌های متفاوت، دچار ناآرامی‌های داخلی و جنگ‌های خارجی شد (برای نمونه، نک: طباخ، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۳). در زمان حکومت نورالدین زنگی و ایوبیان شافعی مذهب، عرصه بر شیعیان تنگ شد که بر حلب و حران نیز تأثیر گذاشت؛ اما چنانچه از تحلیل وقایع دوره ایوبیان برمی‌آید، سخت‌گیری‌ها بر همه فرق شیعه یکسان نبوده و شیوه برخورد ایوبیان با امامیه در مقایسه با شیعیان فاطمی متفاوت بوده است (نک: بادکوبه هزاوه و آبانگاه ازگمی، ۱۳۹۴، ص ۱۹). با این حال، انصاری قمی معتقد است پس از دولت ایوبیان، شیعیان تقریباً از میان رفتند (۱۳۸۵، ص ۲۰ و ۱۱).

در بعضی از قرن‌ها نیز حلب به قوت علمی بسیار مطلوبی دست یافت. علمای شیعه به شهر حلب، مهاجرت کردند، مانند خاندان آل‌ابی‌شعبه (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۳۰) و ابن‌شهرآشوب (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۲). خاندان بنی‌زهره هم از علمای مشهور حلب‌اند (جامعه علویان سوریه، ۸۲؛ نقل در: برومند اعلم و مهدوی، ۱۳۹۳، ۴۴). حلب در قرن چهارم تا ششم برای شیعیان از محیطی مناسب برخوردار بود و امکان فعالیت آزادانه و به‌دور از تقیه و نیز از نشاط علمی بهره‌مند بود؛ اما از زمان حکومت آل‌زنگی و

به‌خصوص ایوبیان، اوضاع برای شیعیان، به‌ویژه شیعیان فاطمی، سخت شد و آنان را در تنگنا قرار داد؛ به‌طوری که چنین وضعیتی لزوم تقیه را برای شیعیان بیشتر نمایاند (طباخ، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۲۷).

### ۳.۳. قراین کتاب‌شناختی

تبارشناسی حدیثی روایات قصار و تعیین منابعی که روایات *تحف‌العقول* در آن موجود است، نتایج درخوری را برای تخمین زمان نگارش *تحف‌العقول* در اختیار قرار می‌دهد. گفتنی است در تبارشناسی که به‌هدف یافتن روایات در دیگر منابع صورت گرفته، ۶۲۴ روایت قصار امام‌علی<sup>(ع)</sup> تا امام‌عسکری<sup>(ع)</sup>، برای اولین بار در ۷۵ منبع شیعه آمده است که ۲۰۵ روایت یا برخی از عبارات‌های آن فقط در *الکافی* است. همچنین، ۸۲٪ از این منابع از آثار قرن چهارم تا ششم است.

فراوانی مراجع روایات قصار *تحف‌العقول*، در منابع شیعه

فراوانی	دسته‌بندی منابع شیعه
۱۵	منابع شیعه از قرن ۱ تا ۳
۵۱	منابع شیعه از قرن ۴ تا ۶
۹	منابع شیعه از قرن ۷ تا ۹
۷۵	جمع‌بندی

فراوانی روایات قصار *تحف‌العقول*، برای اولین مرتبه نقل در منابع شیعه





برخی از نشانه‌ها، در تبارشناسی روایات قصار *تحف العقول* امکان تعیین منابع مؤلف را به وجود آورد. این نشانه‌ها عبارت‌اند از:

- I. نقل روایات فقط در یک منبع؛
- II. وجود واژه‌ای از روایت فقط در یک منبع؛
- III. یکسان بودن الفاظ روایت در *تحف العقول* و منبع روایی دیگر. تعداد درخور توجهی از منابع مربوط به قرن پنجم به بعد است؛ حتی در بین این منابع احتمالی، آثار قرن نهم نیز وجود دارد. این منابع عبارت‌اند از:

- i. منابع شیعه: *الفقه المنسوب الی الامام الرضا<sup>(ع)</sup>، المحاسن، اثبات الوصیه، الکافی، من لا یحضر الفقیه، امالی صدوق، الخصال، امالی مفید، تهذیب الاحکام، مشکاة الانوار، کشف الغمه، ارشاد القلوب* دیلمی و نیز *عدة الداعی و نجات الساعی*.
- ii. منابع اهل سنت: *سراج الملوک و فتوحات المکیه* و نیز شرح *نهج البلاغه* ابن ابی الحدید.

#### ۴.۳. قراین متن شناختی

قراین متن شناختی گوناگونی در *تحف العقول* وجود دارد که در استدلال برای تعیین عصر مؤلف می‌توان از آن بهره برد. ما در بررسی این قراین که در حوزه نقد بیرونی قرار می‌گیرد، مؤلفه‌هایی از درون متن را با مؤلفه‌هایی خارج از متن مقایسه می‌کنیم و نشانه‌هایی مبنی بر تناسب کتاب با قرن‌های متأخر به دست می‌آوریم.

##### ۱.۴.۳. زبان متن؛ تعابیر خاص به کاررفته در *تحف العقول*

نگارش در هر دوره‌ای از تاریخ بر اساس ساختار زبانی آن دوره و واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به همان دوره است (رضوی، ۱۳۹۸، ص ۵۸). بعضی معتقدند نویسنده *تحف العقول* در مقدمه به گونه‌ای از قدمای شیعه تعبیر کرده است که نباید خودش از دوره‌ای مانند قرن چهارم باشد (نک: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳-۴). نوع تعابیر او درباره کتابش (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳)، نشان می‌دهد که حیات نویسنده سده ششم هجری به بعد است (انصاری قمی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۰)؛ مثلاً، وی در مقدمه کتاب از تعبیر «علماء الشیعه» استفاده کرده است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳). این تعبیر اولین بار در قرن پنجم در *عیون المعجزات* آمده است (بی‌تا، ص ۴۳). نویسنده نمی‌تواند از تعابیر قرن‌های میانه استفاده کند؛ ولی خود در قرن‌های متقدم زیسته باشد.

زبان متن از بُعدی دیگر درخور توجه است. برخی از الفاظ موجود در متن نشانه‌ای بر نگارش کتاب در بومی خاص است. اصطلاح «مِنْ فُقَهَاءِ الْمُسْلِمِينَ» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۶)، برای اولین بار در *الرساله*

نقل می‌شود (شافعی، بی‌تا، ص ۴۵۷). مذهب شافعی نیز جزو مذاهبی است که در قرن‌های نخستین، در حلب ظهور کرده است و همچنان پیروانی دارد (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۵). کاربرد واژه‌ای که برای اولین بار شافعی آن را به کار برده است، در مکانی که شافعی مذهب‌ها می‌زیند، کاملاً طبیعی است.

### ۲.۴.۳. مقایسه رساله مفضلیه و وصیت مفضل بن عمر به گروه شیعیان

برخی از پژوهشگران معتقدند نقل یک‌باره وصیت مفضل برای جامعه شیعه، پس از روایات امام‌عسکری (ع) دلیل مناسبی برای نصیری بودن مؤلف است. نقل وصیت مفضل با محتوای ویژه‌ای که دارد، مؤید این نظر است (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۱۱۲۸، ۱۵ مرداد ۱۳۸۶). دیدگاه انصاری قمی، بررسی رساله مفضلیه و «وصیت مفضل» و ضرورت تبارشناسی وصیت را بیشتر می‌نمایاند. پیش از تبارشناسی وصیت، خلاصه‌ای از محتوای هر دو را ذکر و سپس، نتایج تبارشناسی را بیان می‌کنیم.

رساله مفضلیه که به‌تازگی در مجموعه رسائل علویان سوریه منتشر شده، در واقع متنی است منسوب به مفضل بن عمر در گفت‌وگویی با امام‌صادق (ع). زمان نگارش متن معلوم نیست؛ اما قطعاً، پیش از دوران حسین بن حمدان خصیبی نوشته نشده است. این متن به‌روایت از مفضل در سنت نصیری شناخته می‌شود. در این متن، درباره مهم‌ترین مبانی و تعالیم نصیری، یعنی سه‌گانه الوهی و طبیعت الهی علوی بحث می‌شود (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۴۰۹۵، ۲۲ خرداد ۱۳۹۸).

مفضل در وصیت خود به شیعیان، در تحف‌العقول به تقوای خدایی سفارش می‌کند که یگانه است و معبودی جز او نیست و محمد (ص) بنده و رسول اوست. سپس، حقوق الهی و اجتماعی و برخی از ویژگی‌های شیعه را ذکر می‌کند (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۱۵-۵۱۳). برخی از جملات و عبارات وصیت مفضل در منابع وجود ندارد و برخی در آثار اسماعیلیه موجود است. مهم‌ترین جملات و عباراتی که در هیچ‌یک از منابع روایی نیامده است، عبارت‌اند از: تعبیر «فقیران شیعه آل محمد» و «انوع منتظران ظهور» و «دشمنی نکردن با اهل حق». عبارت مربوط به «گفت‌وگویی مفضل و امام‌صادق (ع) درباره شیعیان راستین و افرادی که شیعه قلمداد نمی‌شوند» نیز در دعائم‌الاسلام (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۵۹) آمده است و برخی از آن در توحید المفضل (ابن‌عمر، بی‌تا، ص ۱۹ و ۲۰). برای یافتن میزان شباهت و تفاوت بین رساله مفضلیه و وصیت مفضل در تحف‌العقول متن هر دو را مقایسه کردیم؛ اما هیچ‌یک از جملات وصیت مفضل در رساله مفضلیه موجود نبود. از این‌رو، نمی‌توان نقل روایت از مفضل را دلیلی بر نصیری بودن مؤلف دانست.

### ۵.۳. قراین رجالی؛ راویان یادشده در تحف‌العقول

مؤلف در بعضی از روایات نام یک راوی را نقل می‌کند. این افراد در سه دسته جای می‌گیرند که داده‌های هر دسته در تعیین زمان و مکان نگارش و هدف مؤلف در نگارش نقشی مؤثر دارد. دسته اول، یعنی جریان

هشامین بیشترین روایانی‌اند که نامشان در کتاب آمده است. گفتنی است در زمان صادقین<sup>(ع)</sup> دو جریان کلامی وجود داشت که از گفتمان‌های اصلی کلامی امامیه بوده‌اند: جریان هشام‌بن‌حکم و جریان هشام‌بن‌سالم جوالیقی و ابوجعفر مؤمن الطاق. فقهای امامیه در قرن‌های دوم و سوم متأثر از اندیشه‌های جوالیقی بودند. در سده چهارم و پنجم مکتب کلامی قوی‌ای در بغداد به ریاست شیخ مفید شکل می‌گیرد که آموزه‌های آن از جریان معتزلی و بازمانده‌های عقاید هشامین است (گرامی، ۱۳۹۱، ص ۷۱ و ۸۵).

یکی از روایت‌های مهم *تحف‌العقول* از محمدبن‌نعمان احوط (مؤمن الطاق) نقل می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۷). احوط در رأس جریان جوالیقی قرار دارد. عبدالله‌بن‌جندب، محمدبن‌قیس<sup>۶</sup>، جابر بن‌یزید، داود الرقی، ابوبصیر اسدی، فضیل‌بن‌یسار، داودبن‌القاسم و مفضل‌بن‌عمر در جریان هشام‌بن‌سالم قرار می‌گیرند (گرامی، ۱۳۹۱، ص ۹۸) که نامشان در روایات ذکر شده است (به ترتیب در: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۱، ۳۷۴، ۲۸۴ و ۲۸۶، ۳۶۵، ۳۶۹ و ۳۷۱ و ۳۷۵، ۴۴۵، ۴۴۶ و ۴۵۵، ۳۷۳ و ۵۱۳). نام هشام‌بن‌حکم و بعضی از جریان وی، یعنی هشام‌بن‌حکم، فضل‌بن‌شاذان و یونس‌بن‌عبدالرحمن، علی‌بن‌یقطین و صفوان‌بن‌یحیی به‌ندرت در *تحف‌العقول* ذکر شده است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۳ و ۴۴۴ و ۴۱۰).

دسته دوم راویان *تحف‌العقول*، زاهدان‌اند. یکی از گفتمان‌های حاکم بر *تحف‌العقول* زهد است.<sup>[۱]</sup> حرانی افزون بر نقل سخنان زهدمحور، نام چند تن از زاهدان، یعنی کمیل‌بن‌زیاد، حسن بصری، فضیل‌بن‌عیاض و سفیان ثوری (به ترتیب در: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱ و ۱۶۹ و ۱۹۶، ۲۳۱، ۳۷۱، ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۴۸) را نقل می‌کند. ابن‌شعبه افزون بر ذکر نام افراد منتسب به جریان‌ها، نام چند راوی یا اسامی اشخاص دیگری را ذکر می‌کند که متناسب با هدف پژوهش به ذکر دو نفر از آنان بسنده می‌کنیم: ابوحنیفه (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۱) و احمدبن‌عمر بن‌ابی‌شعبه الحلبی (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۴۸).

بررسی سه دسته راویان یادشده متناسب با اهداف پژوهش چند دستاورد دارد: ۱. تضارب‌آرای بین هشامین در *تحف‌العقول* نمود ندارد. وجودداشتن تضارب‌آرا بین هشامین نشان از عبور از قرن‌های نخستین است. ۲. ذکر نام زهاد هم هدف مؤلف در تبیین زهد را بیشتر نمودار می‌سازد، هم با حلب نیز که سکونتگاه زاهدان بوده است، تناسب دارد. ۳. نقل روایت از راوی اهل حلب، یعنی احمدبن‌عمر بن‌ابی‌شعبه الحلبی می‌تواند نشانه‌ای بر حلبی‌بودن مؤلف قرار بگیرد. ۴. ذکر نام ابوحنیفه را می‌توان به‌عنوان قرینه دیگری بر نگارش *تحف‌العقول* در حلب قلمداد کرد؛ زیرا مذهب حنفی در قرن‌های متمادی در حلب پیروان زیادی داشته است و حاکمان سنی‌مذهب حلب از آن حمایت می‌کردند (حلبی غزی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۵).

۶. در منابع دیگر، از جمله *الکافی* (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۶۴۹) روایت از طریق هشام‌بن‌سالم از محمدبن‌قیس الجلی از راویان صادقین<sup>(ع)</sup> (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶) نقل می‌شود.

#### ۴. تعیین هویت مؤلف تحف‌العقول

هویت مؤلف را از دو بُعد نام مؤلف و ویژگی‌های شخصیتی وی می‌توان بررسی کرد. برای بررسی نام وی اقدام‌هایی لازم است: ۱. جست‌وجو در منابع رجالی برای یافتن فردی متناسب با ویژگی‌های مؤلف تحف‌العقول یا نام حسن‌بن‌شعبه یا نام‌هایی شبیه به آن؛ ۲. بررسی مؤلفان خاندان ابن‌شعبه در منابع نصیری. چنانچه در این دو مرحله، به مؤلف دست نیافتیم، وجه تسمیه ابن‌شعبه را بررسی می‌کنیم. گفتنی است، اقدام اول نتیجه‌بخش نبود.

#### ۴-۱. ویژگی‌های شخصیتی مؤلف تحف‌العقول

مؤلف تحف‌العقول امامی‌مذهب است. وی زهد منفی را ترویج داده و در دوره‌ای زیسته است که تقیه را برای حفظ جان لازم می‌داند. منظور او از تقیه تنظیم ارتباط با دشمنان است. وی در برابر فقدان منابع اخلاقی احساس مسئولیت می‌کند و کتابی می‌نگارد. مؤلف اهل انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات است و ازدواج با محارم را حرام برمی‌شمارد. وی اهل‌البیت<sup>(ع)</sup> را خلیفه خدا و معصوم و محدث می‌داند و ولایت ایشان را پذیرفته است. قبر و قیامت و بعث را باور دارد. در جبر و اختیار نیز «أمر بین الأمرین» را پذیرفته است.

#### ۴-۱-۱. خاندان ابن‌شعبه در منابع نصیری

وضعیت رجالی خاندان ابن‌شعبه حرانی را می‌توان از منبع نصیری معجم‌الاعلام‌العلویین به دست آورد. مؤلف این اثر، حرانی‌ها را از مشهورترین خانواده‌های (عائلات) شیعه امامی می‌داند که پیوسته آثار فکری مکتوبشان، به‌عنوان مصادر خصیبه قرار گرفته و در فقه و روایت و شرع مطمئن‌اند. خاندان بنی‌شعبه حرانی در حلب ساکن‌اند و در علوم ربانی و فلسفی و عرفانی سرآمد. علوم آل‌شعبه بر هر عارف و مناظره‌کننده‌ای (باحث) حجت است (علی، ۱۴۲۳ق، ج ۴/کتاب السابع، ص ۸۷ و ۱۰۴).

**محمدبن‌شعبه حرانی:** محمدبن‌شعبه از بزرگ‌ترین علمای قرن چهارم و موحد، فقیه، فیلسوف، متقی و دارای منزلت در قلب موحدان است. وی در علوم الهی تبحر دارد و تفکر امامی خصیبه را رهبری می‌کند (علی، ۱۴۲۳ق، ج ۴/کتاب السابع، ص ۸۸-۸۷).

**حسن‌بن‌شعبه حرانی:** حسن‌بن‌شعبه از نابغه‌های در تألیف است که فقط تعداد کمی از آثارش به دست ما رسیده است. وی عالمی فقیه و راوی صادق و از بزرگ‌ترین علمای موحد زمان خودش است (علی، ۱۴۲۳ق، ج ۴/کتاب السابع، ص ۱۰۴).

**حمزه‌بن‌علی بن‌شعبه حرانی:** حمزه‌بن‌علی متولد ۳۵۳ق است و عالم و فیلسوف. وی آثار گوناگونی دارد. ارجاع عالمان هم‌عصرش به آثار و سخنانش، نشان از غنای فکری‌اش دارد (علی، ۱۴۲۳ق، ج ۴/کتاب السابع،

ص ۱۳۹). چنان‌که می‌بینیم، ابن‌شعبه‌های حرانی نصیری مربوط به قرن چهارم و پنجم‌اند که با یافته‌های پژوهش ما مبنی بر قرن هشتم بودن مؤلف *تحف‌العقول* سازگاری ندارد. حال، برای وجه‌تسمیه مؤلف *تحف‌العقول* چند فرض می‌توان مطرح کرد.

#### ۲-۱-۴. فرض‌هایی مبنی بر وجه‌تسمیه ابن‌شعبه

به‌دلیل اینکه نتوانستیم در منابع رجالی فردی متناسب با هویت مؤلف *تحف‌العقول* بیابیم و نام ابن‌شعبه حرانی در میان راویان شیعه و در قرن هشتم به‌بعد موجود نیست، دربارهٔ وجه‌تسمیه مؤلف چند فرض مطرح می‌کنیم:

۱. نام ابن‌شعبه برگرفته از آل‌ابی‌شعبه: می‌دانیم که قرن دوم، آل‌ابی‌شعبه به حلب مهاجرت کردند؛ بنابراین، می‌توان نام ابن‌شعبه حرانی را برگرفته از نام این خاندان دانست. جست‌وجو در منابع رجالی برای یافتن چنین شخصی در قرن‌های متأخر و تطبیق آن با مؤلف کتاب نتیجه‌بخش نبود. گفتنی است مامقانی نیز حرانی را از این خاندان برنمی‌شمارد (۱۴۳۱ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴).

۲. نام ابن‌شعبه برگرفته از نام نصیریان موجود در تاریخ و آثار ایشان: در مجموعه *الحرانیین* از آثار نصیریان، دو دستهٔ تألیف‌های خاص و عام وجود دارد که به آثار «أبناء شعبة الحرانیون» منسوب است. *حقائق اسرارالدین* از تألیف‌های خاص و *تحف‌العقول* و *التمحیص* از تألیف‌های عمومی به حسن بن علی بن‌شعبه منسوب است (انصاری قمی، کاتبان، کد اثر ۱۶۷۴، ۱۳ تیر ۱۳۸۹).

برای تحلیل این فرض، باید چرایی عملکرد مؤلف *تحف‌العقول* در مقدمه و در بخش انتهایی کتاب را که مبنی بر باورهای نصیری است، تبیین کنیم. در تبیین آن فرضی را می‌توان بیان کرد: پیش از این گفتیم که شیعه در حلب از قرن هفتم به‌بعد، در اقلیت قرار گرفت و به‌دلیل جور حکومت تقیه پیشه کرد. طبق گفتهٔ برخی از پژوهشگران نیز در حلب مذهب نصیری رواج داشته است (باقری، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد اقدام مؤلف، یعنی به‌کاربردن تعبیر «الشیعة المستبصرین و استفاضتها فیهم» و نقل از مفضل بن‌عمر که برخی از پژوهشگران را به‌سمت نسبت‌دادن صاحب این اثر به مذهب نصیری سوق داده است، رفتاری از سر تقیه باشد؛ زیرا چنان‌که دیدیم مبانی کلامی و فقهی مؤلف در متن کتاب، با مبانی کلامی و فقهی نصیری کاملاً متناقض است. در واقع، مؤلف خواسته است با عمل خود در مقدمه و آخر کتاب، شیعهٔ امامیه‌بودنش را مخفی کند؛ از این‌رو، نام وی نیز به‌نام عالمان نصیری حلب انتشار یافته است.

## نتیجه‌گیری

قراین گوناگونی مذهب مؤلف تحف‌العقول، دوران و محل زیست و ویژگی‌های شخصیتی وی را تعیین می‌کند:

مؤلف *تحف‌العقول* امامی مذهب و زاهد است؛ زیرا او اهل‌البیت<sup>(ع)</sup> را خلیفه خدا و معصوم می‌داند، عقیده او در جبر و اختیار مانند شیعیان است، بعث را باور دارد، اهل انجام واجبات و ترک محرمات است و گفتمان زهد منفی را در کتاب خود ترویج می‌دهد. هرچند نام مؤلف در منابع رجالی وجود ندارد و فقط می‌توان فرض‌هایی را برای وجه تسمیه‌اش ذکر کرد، مؤلفه‌های شخصیتی او شیعه‌بودنش را اثبات می‌کند. دیدگاه برخی از پژوهشگران مبنی بر نصیری‌بودن مؤلف پذیرفتنی نیست؛ زیرا اندیشه‌ها و باورهای کلامی و فقهی مؤلف با باورهای نصیری، یعنی نسبت‌دادن مقام الوهیت به ائمه<sup>(ع)</sup> و تناسخ و نیز انجام واجبات و ترک محرمات، ناسازگار است.

برخلاف نتایج پژوهش‌های پژوهشگران، به نظر می‌رسد مؤلف *تحف‌العقول* و *حقائق اسرار الدین* شخصی واحد نیستند و فقط اسمی یکسان دارند؛ زیرا محتوا و گفتمان تقیه دو کتاب و زمان نگارششان متفاوت است.

چند قرینه انتساب مؤلف *تحف‌العقول* را به حلب تأیید می‌کند: گفتمان تقیه در *تحف‌العقول* و تقیه حاکم بر حلب در قرن‌های متأخر، گفتمان زهد در *تحف‌العقول* و زهدمحوربودن عالمان حلب، نقل اصطلاح موجود در اثر شافعی و نقل روایت از ابوحنیفه متناسب با مذاهب حاکم بر حلب و نیز نقل روایت از راوی حلبی.

مؤلف دست کم در قرن هشتم می‌زیسته است. لزوم رعایت تقیه برای شیعیان حلب، از قرن هفتم به بعد، مستندشدن ۸۲٪ روایات قصار *تحف‌العقول* برای اولین بار در منابع قرن چهارم تا ششم و تعیین برخی از منابع متأخر به عنوان منابع احتمالی مؤلف، کاربرد تعبیر مربوط به آثار قرن پنجم در مقدمه *تحف‌العقول* و وجودنداشتن تضارب‌آرا بین هشامین، به عنوان دو نفر از روایان موجود در *تحف‌العقول*، به ترتیب قراین دال بر این مدعاست.

## منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. گردآورنده: احمدبن محمد حسینی. لبنان: دارالاضواء.
۲. ابراهیم، محمدابوالفضل (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید*. قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶ش). *امالی*. تهران: کتابچی.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش). *علل الشرائع*. قم: داوری.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الاسلام*. تحقیق و تصحیح: آصف فیضی. قم: آل البیت<sup>(ع)</sup>.
۶. ابن عبدالوهاب، حسین (بی تا). *عیون المعجزات*. قم: مکتبه الداوری.
۷. ابن عدیم، عمر بن احمد (بی تا). *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*. تحقیق: سهیل زکار. بیروت: دارالفکر.
۸. ابن عمر، مفضل (بی تا). *التوحید المفضل* (چاپ سوم). تحقیق: کاظم مظفر. لبنان: مؤسسة الوفاء.
۹. ابن غضائری، احمد بن حسین (۴۲۲ق). *الرجال*. تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی. قم: دارالحديث.
۱۰. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱ش). *کتاب المقالات و الفرق*. تصحیح و تقدیم محمد جواد مشکور. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. امین، محسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعة*. بیروت: دارالتعارف.
۱۲. انصاری قمی، حسن (۱۳۸۵ش). *دین و دولت در دولت های ال زنگی و ایوبیان* (درآمدی بر ادبیات سیاسی اسلام). *کتاب ماه دین*. شماره ۱۰۴، ۶-۳۳.
۱۳. انصاری قمی، حسن. *کاتبان*. ansari.kateban.com.
۱۴. ایزدی فرد، علی اکبر، محسنی دهکلانی محمد و حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۵ش). بررسی اعتبار تحف العقول، *علوم قرآن و حدیث*، ۴۸(۱)، ۲۹-۵۱. DOI: 10.22067/NAQHS.V48I1.43914
۱۵. بادکوبه هزاوه، احمد و آبانگاه ازگمی، معصومه (۱۳۹۴ش). عملکرد دوگانه ایوبیان در مواجهه با شیعیان امامیه و اسماعیلیه و بازتاب آن در تاریخ نگاری مصر و شام. *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، ۱۱(۴۱)، ۱۸-۳۲.
۱۶. باقری، حمید (۱۳۹۳ش). پژوهشی در انتساب چند اثر جدید انتشار به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرانی؛ محدث شناخته شده شیعی، *علوم حدیث*، ۱۹(۴)، ۷۴-۵۵.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. برومند اعلم، عباس و مهدوی، تقی (۱۳۹۳ش). نقش شیعیان در حیات علمی حلب در قرن چهارم و پنجم قمری، *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۱۰(۳۷)، ص ۴۳-۵۵.
۱۹. بصیرت، علی (۱۳۹۷ش). *اندیشه نامه کلامی ابن شعبه حرانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قران و حدیث. دانشکده علوم و معارف حدیث.
۲۰. بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۱۷ق-۱۹۹۷م). *الفرق بین الفرق* (چاپ دوم)، بیروت: دارالمعرفة.
۲۱. بنائی، هاجر و لطفی، سید مهدی (۱۳۹۹ش). تبارشناسی روایات قصار تحف العقول، *مطالعات فهم حدیث*، ۶(۲)، ص ۱۲۵-۱۴۳. DOI:10.30479/mfh.2020.2075
۲۲. بنائی، هاجر و لطفی، سید مهدی (۱۴۰۰ش). تبارشناسی روایات قصار حضرت علی<sup>(ع)</sup> در تحف العقول. *حدیث پژوهی*، ۱۳(۲۵)، ۳۳۳-۳۵۸. DOI:10.22052/HADITH.2021.111271

۲۳. بنائی، هاجر و لطفی، سیدمهدی (۱۴۰۰ق). *تبارشناسی حدیثی و لایه‌شناسی تاریخی تحف‌العقول*. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
۲۴. پسندیده، حسین (۱۳۹۱ش). بررسی مقایسه‌ای عهدنامه مالک اشتر در سه کتاب نهج‌البلاغه، تحف‌العقول و نه‌ایة‌الرب، *علوم حدیث*، ۱۷ (۶۴)، ۲۰۷-۲۲۸.
۲۵. حر عاملی، محمدبن حسن (بی‌تا). *امل‌الآمل*، بی‌جا: بی‌نا.
۲۶. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعة*. قم: آل‌البیته<sup>(ع)</sup>.
۲۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی اصول الائمة؛ تکملة‌الوسائل*. تحقیق: محمدبن محمد الحسین القائینی. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام‌رضا<sup>(ع)</sup>.
۲۸. حرانی، حسن بن شعبه (۲۰۰۶م). *مجموعه‌الحرانیین، مؤلفات‌الخاصه؛ حقائق اسرار‌الدین*. تحقیق و تقدیم: ابوموسی و شیخ موسی. لبنان: دارالعقل.
۲۹. حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ش). *تحف‌العقول فیما جاء من الحکم و الموعظ عن آل‌الرسول (ص)*. تحقیق: علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
۳۰. حزبائی، خلود (۱۳۹۶ش). نقد و بررسی احادیث امام‌صادق<sup>(ع)</sup> (از وصیت عبدالله بن جندب تا صفت خروج از ایمان). اهواز: دانشگاه چمران.
۳۱. حسینی حنبلی، عبدالرحمن بن ابراهیم (۱۴۳۰ق). *قلائد‌الاجیاد*. تحقیق: ولید عبدالله منیس. کویت: مرکز البحوث و الدراسات الكويتیة.
۳۲. حلبی غزی، کامل بن حسین (۱۴۱۹ق). *نهر‌الذهب فی تاریخ حلب*. تحقیق و تصحیح: شوقی شعث و محمود فاخوری. حلب: دارالقلم.
۳۳. رحیمی، زهرا (۱۳۹۶ش). *بررسی سندی و دلالی روایات امام‌علی (ع) در کتاب تحف‌العقول در خصوص صبر، تقوا و حسن خلق*. رساله دکتری. دزفول: دانشکده اصول‌الدین.
۳۴. رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۵ش). نقد منبع در تاریخ. *تاریخ پژوهان*، ۲ (۶)، ۴۶-۶۵.
۳۵. زمانی محبوب، حبیب و بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۹۱ش). بررسی وضعیت شیعیان در عهد بنی‌مرداس. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۴ (۱۴)، ص ۱۱۰-۹۳.
۳۶. سبجانی، جعفر (۱۴۲۱ق). *محاضرات فی الالهیات*. تلخیص علی ربانی. قم: امام‌صادق<sup>(ع)</sup>.
۳۷. سبجانی، جعفر (۱۴۱۸ق). *موسوعة طبقات‌الفقهاء*. قم: مؤسسه امام‌صادق<sup>(ع)</sup>.
۳۸. سپاسی، طیبه (۱۳۸۸ش). ترجمه و تحقیق حدیث جوامع‌الشرایع از امام‌رضا<sup>(ع)</sup> و بررسی احکام فقهی مستفاد از آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه قم.
۳۹. شافعی، محمدبن ادريس (بی‌تا). *الرسالة*. تحقیق و شرح احمد محمد شاکر. لبنان: المكتبة العلمية.



۴۰. شایسته‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰ش). جایگاه تحف‌العقول در منابع روایی شیعه. *علوم حدیث*. ۱۶ (۱ و ۲) ۲۴۵-۲۶۱.
۴۱. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (بی‌تا). *الملل و النحل*. ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی. تهران: علمی.
۴۲. طباح، محمد راغب (۱۴۰۸ق). *اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء* (چاپ دوم). حلب: دارالقلم العربی.
۴۳. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. محمدباقر خراسان. مشهد: مرتضی.
۴۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۷۳ش). *الرجال الطوسی*، تحقیق و تصحیح: جواد قیومی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسة.
۴۵. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق). *مصباح‌المتعهد و سلاح‌المتعبد*. بیروت: فقه الشیعة.
۴۶. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). *اختیار معرفة الرجال (رجال‌الکشی)*. مع تعلیقات میر داماد الاسترآبادی. تصحیح: مهدی رجایی. قم: آل‌البيت (ع).
۴۷. علی، محمد احمد (۱۴۲۳ق). *معجم اعلام العلوی*. لبنان: دارالمحجة البيضاء.
۴۸. غالب الطویل، محمد امین (۱۳۸۶ق-۱۹۶۶م). *تاریخ العلویین*. بیروت: دارالاندلس.
۴۹. قمی، عباس (۱۳۶۸ش). *الکنی و الالقاب*. تهران: مکتبه الصدر.
۵۰. گرامی، محمدهادی (۱۳۹۱ش). *نخستین مناسبات فکری تشیع؛ بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی*. تهران: امام‌صادق (ع).
۵۱. مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق). *شرح‌الکافی؛ الاصول و الروضة*. تحقیق و تصحیح: ابوالحسن شعرانی. تهران: مکتبه الاسلامیة.
۵۲. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق). *تنقیح‌المقال فی علم الرجال*. تحقیق: محمدرضا مامقانی. قم: مؤسسه آل‌البيت (ع) لإحياء التراث.
۵۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق). *مرآة‌العقول فی شرح اخبار آل‌الرسول*. تحقیق و تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵۵. مددی، احمد، دروس. dorous.ir
۵۶. نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵ش). *رجال‌النجاشی*. قم: الاسلامی.
۵۷. هالم، هاینتس (۱۹۸۷م). *غنوصیان در اسلام؛ شیعیان غالی و علویان (چاپ اول)*. ترجمه: احسان موسی خلخالی (۱۳۹۳ش). تهران: حکمت.

i. نقد درونی تحف العقول نشان می‌دهد که مؤلف می‌کوشد تا به‌طور ویژه‌ای چند مؤلفه را ترویج دهد و به گفتمان تبدیل کند. گفتمان‌ها عبارت‌اند از: زهدورزی و تقیه. گفتمان‌های یادشده کاملاً با همدیگر پیوسته است. تشخیص و تعیین این موضوعات به‌عنوان ترویج گفتمان توسط مؤلف بر اساس قرآینی صورت گرفت؛ برای نمونه، مؤلف برای تبیین موضوع کتاب در مقدمه از کلیدواژه‌های عام که بیانگر موضوع کلی کتاب است، استفاده می‌کند؛ اما همین‌جا دو مرتبه واژه زهد را با فاصله‌ای کوتاه از همدیگر ذکر می‌کند؛ در صورتی که زهدورزی فقط یکی از مصداق‌های اخلاق است. همچنین، فراوانی روایات زهدمحور در این کتاب، در مقایسه با دیگر منابع و نیز تحریف‌های سندی یا متنی در روایات زهدمحور نشان از اهتمام مؤلف به این موضوع دارد.

زهدورزی از موضوعات برجسته موجود در کتاب است؛ به‌طوری که در همه کتاب، روایت‌های فراوانی در این باره ذکر می‌شود. روایات «چیستی»

(حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۰ و ۲۰۰ و ۲۲۵ و ۲۷۸ و ۲۸۱ و ۳۶۷)، «چرایی و چگونگی زهدورزی» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۳-۱۸۰ و ۲۰۳-۲۰۲ و ۲۷۳-۲۷۲ و ۲۸۱) و «تبیین زهد صحیح» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱ و ۱۸۸-۱۸۶ و ۲۰۰ و ۲۲۱ و ۲۷۳ و ۲۸۲ و ۳۲۲ و ۳۴۸ و ۳۴۸-۳۵۴ و ۴۵۵)، «شیوه دستیابی به زهد» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۶۰ و ۱۱۳ و ۱۹۹ و ۲۸۵)، «اهمیت زهد» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۶ و ۳۵۹ و ۳۶۴ و ۳۷۷ و ۵۱۳) و «آثار زهد»

(حرانی، ۱۳۶۳، ص ۶۰ و ۱۶۵ و ۴۵۵) را بیان می‌کند. در این گفتمان، زهد با تأکید بر دنیاگریزی تبیین و ترویج می‌شود.

علت سفارش فراوان مؤلف بر دنیاگریزی را در گفتمان زهد می‌توان در پرتوی تقیه فهمید؛ یعنی زیست ناشی از تقیه نیازمند بی‌توجهی به دنیا و کم‌بهره‌بری از منافع آن است. در واقع، جوّی بر جامعه حاکم است که نیازمند تبلیغ و ترویج دنیاگریزی و نهی از رفاه مالی است. تقیه که در کتاب، چند جا به آن پرداخته می‌شود (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۱ و ۳۱۳-۳۰۷ و ۳۷۳) هم نیازمند زیست مخفیانه (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸-۲۱۷ و ۲۷۲ و ۲۸۴) و پنهان کردن رازها

(حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۸ و ۷۹ و ۱۷۳ و ۲۲۰ و ۲۹۳ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۴۰۲ و ۴۴۲) است.

**References**

1. Aqā BuzurgTehrānī (1403 AH). Al-Dharī'a, Beirut: Dar al-Adwā'.
2. Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid bin Hebatullah (1404 AH). Commentary on Nahj al-Balagha by Ibn Abi al-Hadid [Research: Muhammad Abul Fazl Ibrahim,] Qom: School of Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi.
3. Ibn Bābiwayh, Mohammad Bin Ali (1997), Amālī, Tehran: Ketabchi.
4. Ibn Bābiwayh, Muhammad Bin Ali (2006), 'Ilal al-Sharā'i', Qom: Davari.
5. Ibn Hayyūn, Nu'man bin Muhammad Maghribī (1385 AH). Da'āim al-Islam, [Research and edition: Asif Fayzi,] Ch2, Qom: Āl al-Bayt (as).
6. Ibn 'Abd al-Wahhāb, Hossein (nd), 'Uyoun al-Mu'jizāt, Qom: Al-Davari.
7. Ibn 'Adeem, Omar Ibn Ahmad (nd), Bughyat al-Talab fī Ta'rīkh al-Halab [research: Sohail Zakkar,] Beirut: Dar al-Fikr.
8. Ibn 'Umar, Mufadal (nd), Al-Tawheed al- Mufaddal [research: Kazem Muzafar,] Ch3.
9. Ibn Ghazā'irī, Ahmad bin Hossein (1422 AH). Al-Rijāl [research: Muhammad Reza Hosseini Jalali,] Qom: Dar al-Hadith.
10. Ash'ari Qomi, Sa'd bin Abdullah (1982), Kitāb al-Maqālāt wal-Firaq [edition: Mohammad Javad Mashkoor,] Tehran: Center for Scientific and Cultural Publications.
11. Amīn, Mohsen (1403 AH). 'A'yān al-Shī'a, Beirut: Dar al-Ta'āruf.
12. Ansari Qomi, Hassan (2006), Religion and government in the Al-Zangi and Ayyubid states, Ketab-e Mah, No. 104-106: 6-33.
13. Ansari Qomi, Hassan, Kateban, ([www.ansari.kateban.com](http://www.ansari.kateban.com)).
14. Izadifard, Ali Akbar; Mohseni Dehkalani, Mohammad; Hosseinejad, Seyyed Mojtaba (2016), Examination of the authenticity of Tuhaf al-'Uqūl, Qur'an and Hadith Sciences, 9(96): 51-29.
15. Badkobeh Hazaveh, Ahmad and Abangah Azgami, Masoumeh (2014), Dual performance of the Ayyubids in dealing with the Imami and Ismaili Shiites and its reflection in the historiography of Egypt and the Levant, Taqrībī Studies of Islamic Religions (Forugh-e Vahdat), 11(141): 18-32.
16. Bagheri, Hamid (2013), A study on the attribution of some recently published works to Abu Muhammad Hassan bin Ali bin Shu'ba Harrānī, the famous Shiite Muhaddith, Quarterly Journal of Hadith Sciences, No. 74.
17. Barqī, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1371 AH). Al-Mahāsen, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
18. Broumand 'A'lam, Abbas and Mahdavi, Taqi (2014), The role of Shiites in the scientific life of Aleppo in the 4th and 5th lunar centuries, Quarterly Journal of Taqrī Studies of Islamic Religions, 3: 55-43.
19. Basīrat, Ali (2018), Ibn Shu'ba Harrānī's Theological Thought [Master's Thesis, Qur'an and Hadith University, Faculty of Hadith Studies and Sciences.]
20. Baghdadi, 'Abd al-Qāhir (1417 AH-1997 AD), Al-Farq bayn Al-Farq, Ch. 2, Beirut: Dar al-Ma'rafa.

21. Banaei, Hajar and Lotfi, Seyed Mahdi (2020), Genealogy of Qisār Narratives in Tuhaf al-'Uqūl, Scientific Journal of Hadith Understanding Studies, 12: 125-143.
22. Banaei, Hajar and Lotfi, Seyed Mahdi (2021), Genealogy of Hadiths of Qisār of Hazrat Ali (as) in Tuhaf al-'Uqūl, Two Quarterly Scientific Journal of Hadith Studies, 13(25): pp. 333-358.
23. Banaei, Hajar and Lotfi, Seyed Mehdi (1400), Hadith genealogy and historical stratification of Tuhaf al-'Uqūl [PhD thesis, Isfahan University.]
24. Pasandideh, Hossein (2012), Comparative study of Malik Ashtar's Testament in three books: Nahj al-Balagha, Tuhaf al-'Uqūl and Nihāyat al-'Arab", Hadith Science Quarterly, 17: 207-228.
25. Hurr Āmilī, Mohammad bin Hassan (nd), 'Amal al-'Āmil, Np.
26. Hurr Āmilī, Muhammad Ibn Hassan (1409 AH). Wasā'il al-Shī'a, Qom: Āl al-Bayt Institute.
27. Hurr Āmilī, Muhammad bin Hassan (1418 AH). Al-Fusūl al-Muhimma fī Usūl al-'A'imma; Takmilat al-Wasā'il [research: Muhammad bin Muhammad al-Hussein al-Qā'īnī,] Qom: Imam Reza Institute of Islamic Education (as).
28. Harrānī, Hassan bin Shu'ba (2006), Al-Haraniyin Collection [Research: Abu Musa and Sheikh Musa,] Lebanon: Dar al-'Aql.
29. Harrānī, Hassan bin Ali (1984), Tuhaf al-'Uqūl [research: Ali Akbar Ghafari,] Qom: Teachers Association.
30. Hazba'i, Kholoud (2016), Criticism of Hadiths of Imam Sadiq (as) (from the will of Abdullah bin Jundab to the attribute of departure from faith), Chamran University of Ahvaz.
31. Hosseini Hanbalī, Abdul Rahman Ibn Ibrahim (1430 AH). Qalā'id al-Ajyād [research: Walīd Abdullah Menīs,] Kuwait: Al-Kuwaitiyya Center for Research and Studies.
32. Halabī Ghazi Kamel bin Hossein (1419 AH). Nahr al-Dhahab fī Ta'rīkh al-Halab [Research: Shoghi Shaath and Mahmoud Fakhuri,] Aleppo: Dar al-Qalam.
33. Rahimi, Zahra (2016), Sanad and reasoning inquiry of Imam Ali's (as) narrations in the book Tuhaf al-'Uqūl, regarding patience, piety and good character, Usul al-Din Faculty, Dezful Branch.
34. Razavi, Seyed Aboulfazl (2015), Source Criticism in History, Tarikh-pajohan Letter, 6: 85-46.
35. Zamani Mahjoub, Habib and Badkobei Hazaveh, Ahmad (2011), Study of the situation of Shiites during the reign of Bani Merdas, Islamic History Studies, 4(14): 110-93.
36. Sobhani, Ja'far (1427 AH). Muhādirāt fī al-Ilāhīyāt [Summary: Ali Rabbani,] Qom: Imam Sadeq (as).
37. Sobhani, Ja'far (nd). Tabaqāt al-Fuqahā Encyclopedia, Qom: Imam Sadeq (as).
38. Sepasi, Tayeba (2009), Translation and research of the hadith of Jawāmi' al-Sharā'i from Imam Reza (as) and the analysis of jurisprudential rules based on it [PhD Thesis, Qom University.]
39. Shāfi'ī, Muhammad bin Idris (nd), Al-Risālah [research and explanation: Ahmad Muhammad Shakir,] Lebanon: Al-Maktaba Al-'Ilmīya.

40. Shayestenejad, Aliakbar (2011), The Place of Tuhaf al-'Uqūl in Shia Narrative Sources, Hadith Sciences, 1&2: 245-261.
41. Shahrestani, Mohammad bin 'Abd al-Karim (nd), Al-Milal wal-Nihal [Persian trans: Afzaluddin Sadr Turke Esfahani,] Tehran: Elmi.
42. Tabākh, Muhammad Rāghib (1408 AH). A'lām al-Nubalā bi Ta'rīkh Halab al-Shahbā, Ch. 2, Aleppo: Dar al-Qalam al-'Arabi.
43. Tabrisī, Ahmad bin Ali (1403 AH). Al-'Ihtijāj [Research: Mohammad Baqer Kharsān,] Mashhad: Morteza.
44. Tūsī, Muhammad bin Hassan (1994), Al-Rijāl [Research: Jawad Qayūmī,] Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House.
45. Tūsī, Muhammad bin al-Hassan (1411 AH). Misbāh al-Mutahajid wa Salāh al-Muta'abbid, Beirut: Shiite Jurisprudence Foundation.
46. Tūsī, Muhammad bin Hassan (nd), Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl (Rijāl al-Kashī), Qom: Āl al-Bayt (as).
47. Ali, Muhammad Ahmad (1423 AH). Mu'jam al-'A'lām al-'Alawī, Lebanon: Dar al-Mahajah al-Bayda'.
48. Ghālib al-Tawīl, Mohammad Amin (1966-1386 AH). Ta'rīkh al-'Alawīyīn, Beirut: Dar al-Andalus.
49. Qomi, Abbas (1989), Al-Kunā wal-Alghāb, Tehran: Sadr School.
50. Gerami, Mohammad Hadi (2011), The first intellectual relations of Shiism; Rereading the concept of ghuluw in the thought of the early Imami groups, Tehran: Imam Sadeq University.
51. Mazandarani, Mohammad Saleh (1382 AH). Sharh al-Kāfi: Al-'Usūl wal-Rawzah [Research: Abol Hassan Sha'rānī,] Tehran: Maktabata al-Islamiya.
52. Māmqānī, Abdullah (1431 AH). Tanqīh al-Maqāl fī 'Ilm al-Rijāl [research: Muhammad Reza Māmqānī,] Qom: Āl al-Bayt (as) Institute.
53. Majlisī, Mohammad Bāqir (1403 AH), Bihār al-'Anwār, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
54. Majlisī, Muhammad Bāqir bin Muhammad Taqī (1404 AH). Mir'āt al-'Uqūl [Research: Hashem Rasouli Mahalati,] Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
55. Madadi, Ahmed, Lessons. [dorous.ir]
56. Najāshī, Ahmad bin Ali (1986), Rijāl al-Najāshī, Qom: Al-Islamī.
57. Halm, Heinz (2013), Gnostics in Islam; Ghālī Shiites and Alawites [Persian trans: Ehsan Musa Khalkhali,] Tehran: Hekmat.